

منطقه گرایی هوشمند: راهکاری برای اقتصاد ایران

مصطفی سلیمی مفرد؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

mostafa.salimi۲@gmail.com

چکیده

منطقه‌گرایی هوشمند به‌عنوان تجلی و نمود همکاری بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم از اروپا آغاز شد و به تدریج این فرایند در دیگر حوزه‌های جغرافیایی نیز گسترش یافت. پایان جنگ سرد و نظام دوقطبی ناشی از آن، فرصت‌ها و امکانات جدیدی را برای تثبیت، تقویت و توسعه منطقه‌گرایی هوشمند فراهم ساخت. بطوری که این نوع روابط درون منطقه‌ای، فراتر از مناطق توسعه یافته، در مناطق در حال توسعه نیز به‌منظور تقویت روابط و مناسبات سیاسی، نظامی، اقتصادی، تجاری، زیست‌محیطی و غیره به‌عنوان الگویی پویا و کارآمد سرلوحه کشورها قرار گرفت. از این‌رو منطقه‌گرایی که زمانی در قالب همگرایی اروپایی تعریف می‌شد، امروز در ساختارها و سازمان‌هایی مانند اکو، نفتا، آسه‌آن، مرکوسور، اتحادیه آفریقا و غیره تبلور یافته است. جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند از این الگوی مقبول در اقتصاد و روابط بین‌الملل با تقویت روابط و مناسبات اقتصادی و تجاری خود بر بسیاری از مشکلات اقتصادی خود فائق آمده و مسیر تازه‌ای برای صادرات کالاهای خود و رفع نیازهای واردتی کشور باز کند. در این پژوهش ابتدا به تعریف منطقه، منطقه‌گرایی و منطقه‌گرایی هوشمند و سپس به تاریخ منطقه‌گرایی قدیم و هوشمند و مزایای منطقه‌گرایی هوشمند پرداخته و در نهایت راهکارهایی برای شکل‌دهی به یک منطقه‌گرایی توسط ایران در منطقه جنوب غرب آسیا ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی، منطقه‌گرایی هوشمند، تعمیق همگرایی

مقدمه

منطقه‌گرایی هوشمند از دهه ۱۹۵۰ در اروپا و سپس در دهه ۱۹۶۰ در شرق آسیا مورد توجه کشورها قرار گرفت. اگرچه دوران جنگ سرد هرگونه همکاری و همگرایی منطقه‌ای را تابعی از روابط بین دو قطب مسلط در دنیا قرار داده بود، اما این امر نیز مانع همگرایی منطقه‌ای و شکل‌گیری تجارب موفق‌تری در این زمینه نشد و منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای در روابط بین‌الملل به اصلی پایدار و مورد توجه همه کشورها در نقاط مختلف دنیا مبدل شد.

تغییرات ایجاد شده در فضای سیاست بین‌الملل که شاخصه آن پیچیدگی، روابط متعدد، متداخل و همکاری گریزناپذیر بود، منجر به شکل‌گیری مسائل جدیدی شد که ویژگی اصلی آن سیاسی شدن مسائل اقتصادی و پیوند خوردن منافع کشورهای یک منطقه در همه حوزه‌ها به یکدیگر بود. برخلاف قبل از دهه ۱۹۵۰ که گزینش‌های سیاست خارجی محدود و نتایج آن روشن بود، در این دوران راه‌ها متعددتر شده و گزینش دشوارتر گشت و حکومت‌ها آسیب‌پذیری ناشی از تعدد راه‌های بدیل و عدم وضوح پیامدهای آن را احساس می‌کردند (Nau, ۱۹۷۹) و گذر از منطقه‌گرایی قدیم به منطقه‌گرایی هوشمند، به‌عنوان راه‌حلی مناسب ارائه شد.

فرآیند منطقه‌ای شدن و منطقه‌گرایی اگرچه نخست از اروپا آغاز شد، اما خیلی زود به سایر مناطق پیشرفته و درحال پیشرفت دنیا گسترش یافت. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸) گسترش منطقه‌گرایی به سایر مناطق به جهت منافی بود که کشورهای اروپایی از این همگرایی و تعمیق آن به‌دست آورده بودند.

طرفداران منطقه‌گرایی معتقدند تجانس‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی، به همراه سایر مؤلفه‌های وحدت‌بخش، این امکان را به دولت‌های مستقل واقع در منطقه‌ای گسترده حتی به وسعت یک قاره می‌دهد که از منابع مادی و معنوی خود، با همکاری مشترک به طور مطلوب بهره ببرند. آن‌ها می‌توانند مکمل نیازهای یکدیگر باشند و در نتیجه این همکاری و تعامل، صلح و امنیت بین‌المللی را نیز گسترش دهند. (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳)

اگر منطقه‌گرایی برحسب درجه انسجام اجتماعی (زبان، قومیت، نژاد، فرهنگ، مذهب، تاریخ و آگاهی از میراث مشترک)، انسجام اقتصادی (الگوهای تجاری یکسان و مکمل بودن اقتصادی)، یکپارچگی سیاسی (نوع رژیم و ایدئولوژی و ثبات سیاسی) و انسجام سازمانی (وجود نهادهای رسمی منطقه‌ای) شکل گیرد، به وابستگی متقابل کشورها و منطقه‌گرایی هوشمند منجر می‌شود. (قوام، ۱۳۹۰)

امروزه تجربه موفق توافقات تجاری و سازمان‌های منطقه‌ای در سراسر دنیا در تحریک دولت‌ها برای حرکت به سمت تأسیس چنین اتحادیه‌ها و سازمان‌هایی نقش بسزایی ایفا کرده است. منطقه‌گرایی هوشمند، مبتنی بر گسترش عامدانه و برنامه‌ریزی شده مناسبات تجاری و ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی در چارچوب توافقات تجاری دو یا چندجانبه و تأسیس اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در یک حوزه جغرافیایی می‌تواند موثرترین راه برای تقویت اقتصاد ایران باشد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مهم و تأثیرگذار در منطقه‌ای راهبردی، می‌تواند با استفاده از این رویکرد و بهره‌برداری از مزایای حاصل از آن نظیر افزایش صادرات، ایجاد اشتغال، رفع نیازهای وارداتی و..... بر بسیاری از مشکلات اقتصادی خود فائق آید. براساس آنچه گفته شد، برای روشن شدن و درک بهتر از موضوع، ابتدا به تعریف منطقه، منطقه‌گرایی هوشمند و تاریخ آن پرداخته می‌شود.

منطقه

در علوم روابط بین‌الملل، «منطقه بدون استثناء شامل سرزمین‌های چندین کشور می‌شود که به علت پیوندهای جغرافیایی مشترک به یکدیگر مرتبط شده‌اند».

در تعریفی دیگر منطقه به مجموعه‌ای از کشورهای یک حوزه جغرافیایی اطلاق می‌شود که دارای روابط متقابل ارگانیک است و دگرگونی در یکی از آنها بر سایر کشورهای منطقه اثر می‌گذارد و مانع از بی‌تفاوتی آنها می‌شود. در حقیقت، منطقه باید دارای ویژگی‌های یک زیرسیستم باشد. در عین حال، میزان انسجام و ارتباط عناصر یک زیرسیستم همیشه یکسان نیست و با تفاوت درجه روبه‌رو است. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۲)

منطقه‌گرایی و منطقه‌گرایی هوشمند

منطقه‌گرایی از جمله موضوعاتی است که با وجود علاقه پژوهشی فراوان به آن، هنوز تعریف قابل قبولی را پیدا نکرده است. (Mansfield and Milner, ۱۹۹۷) با این وجود منطقه‌ای شدن به‌عنوان «فرایند تعامل منطقه» (Hettne, ۲۰۰۱) یا «رشد همگرایی اجتماعی در یک منطقه» (Hurrell, ۱۹۹۵) که به شکل‌گیری یک هویت منطقه‌ای می‌انجامد، توجه و تلاش‌های نظری زیادی را برانگیخته است.

بنا به یک تعریف، منطقه‌گرایی فرایندی است که از طریق ایجاد منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه گمرکی بین دولت‌ها و به منظور آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه آغاز می‌شود. در واقع توسعه‌ی منطقه‌گرایی یکی از اشکال کلیدی آزادسازی تجاری است که در مراحل پیشرفته از همکاری تجاری به همکاری‌های

اقتصادی و پولی، و سپس به همگرایی سیاسی و امنیتی منتج می‌شود. منطقه‌گرایی به‌عنوان یک مکانیزم بازدارنده، منجر به ارائه راه‌حل‌های صلح‌آمیز برای بحران‌های موجود یا بحران‌های احتمالی بین اعضاء شده و موجب تحکیم صلح می‌شود. در حقیقت منطقه‌گرایی فرصتی را برای مذاکرات سازنده‌ی متقابل بین اعضا فراهم می‌سازد. (موسوی، ۱۳۸۸)

همانطور که گفته شد، ایجاد منطقه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی از مراحل اولیه منطقه‌گرایی و همگرایی اقتصادی میان دولت‌های یک منطقه هستند. در این ترتیبات دولت‌ها تعرفه‌های گمرکی را از روابط تجاری میان خود حذف می‌کنند، اما یک تعرفه مشترک بیرونی تدوین می‌کنند و آن را علیه همه دولت‌های دیگر به کار می‌گیرند. در نتیجه در درون اتحادیه «تجارت آزاد» شکل می‌گیرد. (مشیرزاده، ۱۳۹۹)

منطقه‌گرایی اقتصادی در پی دستیابی به اهداف زیر است:

۱. افزایش آزادسازی تجاری

۲. آزادشدن سرمایه‌گذاری

۳. بازسازی ساختار اقتصادی کشورها و

۴. تعمیق همگرایی اقتصادی.

منطقه‌گرایی هوشمند حرکتی همه‌جانبه است از یک ازهم‌گسیختگی و عدم انسجام به یک همگرایی، انسجام و هم‌افزایی. منطقه‌گرایی هوشمند به معنی این است که کشورهای یک منطقه به صورت آگاهانه تعاملات و وابستگی‌های متقابل اقتصادی و تجارت درون منطقه‌ای خود را جهت رفع نیازهایشان افزایش دهند، تا برای رفع چنین نیازهایی در مواقع بحرانی، به خارج از منطقه وابسته نباشند. (سلیمی مفرد، ۱۳۹۹) این نوع منطقه‌گرایی، اگرچه با همکاری‌های اقتصادی و تجاری شروع می‌شود اما به تدریج سایر حوزه‌ها را هم دربرمی‌گیرد.

تاریخ منطقه‌گرایی

براساس یک تقسیم‌بندی، تاریخ منطقه‌گرایی را می‌توان به سه مرحله یا موج تقسیم کرد و براساس ویژگی خاص هر موج، منطقه‌گرایی قدیم و جدید/هوشمند از یکدیگر متمایز می‌شوند. اگر موج اول و دوم از همگرایی اقتصادی را منطقه‌گرایی قدیم بنامیم، موج سوم، منطقه‌گرایی هوشمند است:

موج اول: اولین موج منطقه‌گرایی اقتصادی در دوره جدید در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و همزمان با به ثمر نشستن اولین موج تکاملی انقلاب صنعتی جهان اتفاق افتاد که این همزمانی می‌تواند نخست بیانگر رابطه قوی عامل جغرافیا و مسافت و دوم پیوند عمیق انقلاب صنعتی و فناوری با منطقه‌گرایی قدیم باشد.

تقریباً ۷۰ سال تلاش غرب برای دستیابی به دستاورد بزرگ انقلاب صنعتی که امکان پیمودن سریع مسافت و کاهش هزینه جابه‌جایی را از طریق اختراع ماشین بخار نوید می‌داد، در فرایندهای ذهنی و ادراکی انسان غربی، چنان تغییری را پدید آورد که به موجب آن با احساس ثروتمندی و غنا، از مشارکت دادن همگان خود در نتایج به دست آمده از انقلاب تاریخی صنعتی، بی‌می‌بهره خود راه ندهد. این احساس سخاوتمندی و ثروت، اولاً می‌تواند بیانگر تأثیر فناوری بر ادراک انسانی باشد که مارشال مک لوهان از آن با عبارت "وسیله پیام است" یاد می‌کند. (McLuhan, ۱۹۹۴)

بنابراین روشن است که اولین موج منطقه‌گرایی، فقط یک منطقه‌گرایی اروپایی است. در این دوره، امضای معاهده تجاری انگلیس و فرانسه در ۱۸۶۰ میلادی اتفاق افتاد. این مرحله از منطقه‌گرایی تا حدی با رکود اقتصادی اواخر قرن نوزدهم و بالاخره با وقوع جنگ جهانی اول به پایان رسید.

موج دوم: موج دوم منطقه‌گرایی اقتصادی، منطقه‌گرایی‌های بین دو جنگ جهانی اول و دوم را شامل می‌شود که ماهیتی سوداگرانه و سیاسی - اقتصادی و تنها ابعادی از همگرایی را دربر داشت و بیشتر به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت سیاسی و بسط حوزه نفوذ جغرافیایی قدرت‌های برتر اروپایی نسبت به یکدیگر نقش ایفا می‌کرد. برخی معتقد هستند که این گونه منطقه‌گرایی در بین کشورهای اروپای غربی، بیشتر مانند عامل مشوق جنگ‌افروزی و ورود به جنگ دوم جهانی عمل کرده است. این مرحله از منطقه‌گرایی هم با شروع جنگ جهانی دوم عملاً از هم پاشید. (بی‌نیاز، ۱۳۹۰)

موج سوم: موج سوم منطقه‌گرایی نیز از اروپا و در دهه پس از جنگ جهانی دوم شروع شد، اما بر خلاف دو موج قبل یعنی منطقه‌گرایی قدیم که بر ابعاد خاصی از همگرایی یعنی ابعاد اقتصادی و امنیتی تأکید بیشتری داشت، خیلی سریع امتداد آن علاوه بر آمریکای شمالی، به شرق آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و جنوبی و غرب آسیا کشیده شد. در این دوره قدرت‌های برتر اروپایی که در ورطه جنگ جهانی دوم، تا مرز ویرانی کامل پیش رفته بودند، همه نتیجه گرفتند که باید اختلافاها و رویه رقابتی زیان‌آور گذشته را کنار گذارند و به ترمیم خرابی‌های اقتصادی ناشی از جنگ دوم جهانی بپردازند. به عبارت دیگر، از بین رفتن توان امپراطوری قدرت‌های برتر اروپایی مانند انگلستان، فرانسه و آلمان در اثر جنگ دوم جهانی و مواجه شدن آنان با یک اقتصاد ویران بین دو قدرت نوظهور آمریکا و شوروی، آنان را به عنوان یک الزام سیاسی و امنیتی به سوی رفع اختلاف‌های گذشته و همکاری بیشتر با یکدیگر و با اعضای کوچک‌تر قاره اروپا و در نهایت، تشکیل همکاری

در چارچوب جامعه اقتصادی اروپا^۱ هدایت کرد. در حالی که تا قبل از این و بین دو جنگ جهانی، فقدان میزان قابل قبولی از همگنی بین نیروهای امپراطور مسلک اروپا و کشورهای ضعیف‌تر این قاره، به آنها اجازه نمی‌داد تا به سوی همکاری و همگرایی اقتصادی پایدار گام بردارند. (بی‌نیاز، ۱۳۹۰) موج سوم، که به سبب ویژگی‌های گفته در بخش‌های بعد، منطقه‌گرایی هوشمند نام دارد در جنوب شرق آسیا نیز به شکل حیرت‌آوری شکل گرفت و نهایتاً منجر به تاسیس آسه‌آن^۲ شد.

تفاوت منطقه‌گرایی قدیم و هوشمند

اگر مرحله اول و دوم منطقه‌گرایی که ملاحظیات جغرافیایی، نظامی و اقتصادی بر آنها حاکم است را منطقه‌گرایی قدیم بنامیم و مرحله سوم منطقه‌گرایی که با تاسیس اتحادیه اروپا شروع می‌شود را منطقه‌گرایی هوشمند یا جدید بنامیم، نوع اخیر منطقه‌گرایی دارای ابعاد متفاوتی است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

- ۱- اگر منطقه‌گرایی قدیم اصرار خاصی بر برخی اهداف (گرایش نظامی و اقتصادی) داشت، منطقه‌گرایی هوشمند، بسیار فراگیر و اصولاً فرایندی چندبعدی است و اهدافی چون پیشرفت اقتصادی، تجاری، زیست محیطی، سیاست‌های اجتماعی و نظامی - امنیتی یکسان در بین کشورهای یک منطقه را دنبال می‌کند.

- ۲- منطقه‌گرایی قدیم مبتنی بر روابط دولت-ملت‌ها بود، اما در منطقه‌گرایی هوشمند، بازیگران غیردولتی (بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد و...) با حمایت دولت نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

- ۳- اگر منطقه‌گرایی قدیم روندی بود که از بالا و توسط قدرت‌های جهانی شکل می‌گرفت و بر کشورهای متوسط و کوچک تحمیل می‌شد، منطقه‌گرایی هوشمند کاملاً خودجوش و حرکتی از پایین و عامدانه از سوی کشورهای یک منطقه است و این کشورها تلاش می‌کنند تا از طریق افزایش مناسبات تجاری و ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی روند تعمیق همگرایی را تحقق بخشند. (عسگری، ۱۳۸۲)

حال که تمایز میان منطقه‌گرایی قدیم و منطقه‌گرایی هوشمند مشخص شد، به برخی از مزایای منطقه‌گرایی هوشمند به‌عنوان الگوی پیشنهادی برای ایران اشاره می‌شود:

مزایای منطقه‌گرایی هوشمند

^۱ - European Economic Community

^۲ - Association of Southeast Asian Nations

منطقه‌گرایی هوشمند که در سالیان اخیر به روندی غالب در روابط و اقتصاد بین‌الملل تبدیل شده است، دارای مزایایی است:

۱- **تامین امنیت کشورها:** دولت‌های هر منطقه می‌توانند از راه همیاری در چارچوب سیستم‌های امنیتی که معمولاً در منطقه‌گرایی هوشمند رخ می‌دهد، به صلح و آرامش پایدار دست یابند. نهادهای منطقه‌ای در پرتو منطقه‌گرایی هوشمند تجلی اراده کشورها برای همکاری و رسیدن به امنیت پایدار است. (عسگری، ۱۳۸۲)

۲- **افزایش قدرت چانه‌زنی:** بی‌تردید قدرت چانه‌زنی کشورها از طریق منطقه‌گرایی هوشمند رو به فزونی گرفته و مدعیان رهبری روند جهانی، دیگر قدرت تحمیل دیدگاه‌های خود با هزینه پایین را ندارند. (موسوی، ۱۳۸۸) چنین وضعیتی کشورهای در حال پیشرفت را در موقعیت مناسبی برای مذاکره با کشورهای پیشرفته و سلطه‌طلب قرار می‌دهد تا از این طریق منافع اقتصادی و تجاری خود را تامین کنند.

۳- **گسترش بازار فروش:** از دید کاردوسو رئیس‌جمهور سابق برزیل، قاعده‌ی بازی در اقتصادی فراملی عمل متقابل است و در این تعامل باید چیزی برای عرضه داشت. از نظر وی مهم‌ترین قدرت چانه‌زنی، اندازه‌ی بازار است. (Tussie and Woods, ۲۰۰۰) در حقیقت منطقه‌گرایی امکان بازار بزرگتر فروش برای تولیدکنندگان کشورهای یک منطقه را به همراه دارد و همین مسئله منجر به رغبت تولیدکنندگان تک‌تک کشورها برای تولید در مقیاسی وسیع‌تر می‌شود. تولید کالاهایی که تا پیش از منطقه‌گرایی به سبب نداشتن بازار در کشور مبدا انگیزه‌ای برای تولید آن وجود نداشت از دیگر مزایای گسترش بازار است و همین مساله ارزآوری و اشتغال بیشتر در همه کشورهای یک منطقه را در پی خواهد داشت.

۴- **جلوگیری از حاشیه‌ای شدن کشورهای در حال پیشرفت:** برخی از پژوهشگران معتقدند در عصر جهانی شدن، منطقه‌گرایی در میان کشورهای در حال پیشرفت می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از حاشیه‌ای شدن باشد. (عسگری، ۱۳۸۲) کشورهای در حال پیشرفتی همچون جمهوری اسلامی ایران به سبب بنیه اقتصادی نحیف و آسیب‌پذیر خود در خلال فرایند جهانی شدن و ادغام در اقتصاد بین‌الملل با توجه به قدرت اقتصادی کشورهای دیگر آسیب‌های جدی خواهند دید و توان تولیدی خود را از دست خواهند داد. منطقه‌گرایی هوشمند، اقتصاد کشورهای درون یک منطقه جغرافیایی را که معمولاً از سطح همسان توسعه‌ای برخوردارند به یکدیگر گره زده و باعث می‌شود این کشورها نقاط قوت و ضعف

هفتمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی

خود را شناسایی و آن را تقویت یا رفع کنند و از این طریق آمادگی رقابت با کشورهای قدرتمند اقتصادی خارج از منطقه را پیدا کنند.

۵- آماده‌سازی کشورها برای ورود به بازار جهانی: مزیت منطقه‌گرایی هوشمند و همگرایی اقتصادی ناشی از آن در این است که اگر پیمودن روند جهانی شدن از سطوح ملی، راهی بس طولانی، پیچیده و خسارت‌بار برای کشورهای در حال پیشرفت است؛ گذر از سطح ملی به منطقه‌ای و از سطح منطقه‌ای به سطح جهانی سبب می‌شود تا بخشی از پیچیدگی‌ها که مربوط به سیاست‌گذاری، آماده‌سازی فرهنگی و ساختاری در طول روند انتقال از سطح ملی به سطح منطقه‌ای است، حل شود و انتقال به سطح جهانی آسان‌تر صورت پذیرد. (حیدری و آقایی، ۱۳۹۲)

۶- افزایش رقابت در بین تولیدکنندگان منطقه: گشایش بازار داخلی بر روی شرکای منطقه‌ای، می‌تواند منجر به افزایش رقابت در بخش‌های مختلف اقتصاد شود که سابقاً به جهت حمایت‌های دولتی انگیزه‌ای برای کاهش قیمت و افزایش کیفیت محصولات خود نداشتند. (حیدری و آقایی، ۱۳۹۲)

موانع تعمیق همگرایی اقتصادی براساس الگوی منطقه‌گرایی هوشمند در جنوب غرب آسیا

موانع یک منطقه‌گرایی پویا و کارآمد در منطقه جنوب غرب آسیا را می‌توان به پنج دسته عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ساختاری و بین‌المللی (دخالت قدرت‌های خارجی) دانست:

۱- عوامل سیاسی: بی‌ثباتی سیاسی و ناهمگون بودن ساختار سیاسی کشورهای منطقه از موانع همگرایی کشورهای منطقه است. (نصوحیان، ۱۳۸۶) به عنوان مثال کشور افغانستان برای سال‌های متمادی درگیر منازعات و تنش‌های شدید گروه‌های فراملی با دولت مرکزی ضعیف خود بوده است و همین مساله منجر به این شده است که قدرت‌های خارجی به راحتی با بهانه‌های حقوق بشر و غیره در امور این کشور دخالت کنند. پاکستان با اینکه دارای حکومت جمهوری اسلامی است اما در چنددهه اخیر صحنه سیاسی این کشور شاهد کودتاهای مکرر از سوی نظامیان بوده است. ناهمگونی ساختار سیاسی کشورها هم مزید بر علت است؛ ایران دارای حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است، ترکیه دارای یک نظام سکولار، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارای نظام پادشاهی، لبنان و عراق دارای حکومت‌های شبه‌دموکراتیک و شدیداً بی‌ثبات هستند. (امیدی، ۱۳۸۵)

۲- عوامل اقتصادی: یکی از مهم‌ترین دلایل کندی روند همگرایی در چارچوب الگوی منطقه‌گرایی هوشمند در منطقه جنوب غرب آسیا ناشی از کمبودهای مربوط به عدم مکملیت اقتصادی و تجاری است. اقتصاد اغلب کشورهای منطقه ساختار وارداتی و صادراتی مشابهی را نشان می‌دهد. به همین

خاطر گرایش اکثر کشورهای منطقه به تجارت با مناطقی مانند اروپا، شرق آسیا و آمریکا است.
(حیدری و آقایی، ۱۳۹۲)

۳- **عوامل فرهنگی:** وجود اقوام و نژادها، فرهنگ‌ها و زبان متفاوت در کنار افراط‌گرایی مذهبی گروه‌هایی مانند داعش در سالیان اخیر مانعی جدی بر سر راه تعمیق همگرایی کشورهای منطقه بوده است. (امیدی، ۱۳۸۵) البته در بسیاری از کشورهای منطقه دامن زدن به برخی اختلافات جزئی از سوی گروه‌های فراملی و یا کشورهای خارجی نیز در این مسیر بی‌تاثیر نبوده است.

۴- **عوامل ساختاری:** مهیا نبودن زیرساخت‌های مبادلاتی برای ارتباط بیشتر کشورها، نبود سرمایه لازم برای فعالیت مشترک منطقه‌ای و کمبود نیروی ماهر به دلیل ضعف ساختار آموزش در برخی کشورهای منطقه باعث شده تا روند منطقه‌گرایی با مشکلات جدی مواجه باشد. (حیدری و آقایی، ۱۳۹۲)

۵- **عوامل بین‌المللی (دخالت قدرت‌های خارجی):** قدرت‌های خارجی تاثیرگذار در منطقه جنوب غرب آسیا مانند آمریکا، روسیه و غیره در طول سالیان متمادی به شیوه‌های گوناگون برای اثرگذاری بر کشورهای منطقه استفاده کرده‌اند (آذرشب و صانعی، ۱۳۹۶) و همین مساله باعث شده تا برخی از کشورها در عرصه سیاست خارجی خود استقلال چندانی نداشته باشند.

حال با توجه به مشکلات و موانع گفته شده، پیشنهادهایی برای کنش‌گری بهتر ایران در راستای تعمیق همگرایی کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا ارائه می‌شود.

راهکار پیشنهادی برای ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که در نقشه جغرافیای جهانی از جایگاه حساسی برخوردار است، لازم است تا نسبت به تحولات جاری و آتی منطقه غرب آسیا و جهان، واکنشی مطلوب که تامین کننده منافع اقتصادی، امنیتی و هویتی کشور باشد، نشان دهد. از این رو پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- **عملگرایی نخبگان سیاسی:** منطقه جنوب غرب آسیا در چند دهه اخیر شاهد تنش‌ها و حتی درگیری و منازعات شدیدی بین دولت‌های منطقه بوده است و این مسئله موجب بی‌اعتمادی شدید رهبران سیاسی دولت‌های منطقه نسبت به یکدیگر شده است. این مساله اگرچه تنها ناشی از تحولات درون منطقه‌ای نبوده و دخالت کشورهای خارجی و بیرون از منطقه و دامن زدن به درگیری‌ها هم یکی از عوامل این بی‌اعتمادی بوده اما در نهایت منجر به این شد تا برخی دولت‌های منطقه برای

هفتمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی

رویارویی با یکدیگر حتی دست به ائتلاف با قدرتهای خارج از منطقه و دشمنان دیرینه خود بزنند. این حجم از بی‌اعتمادی و بدبینی در اثر دهه‌ها تنش و درگیری و رقابت مخرب بوجود آمده و به راحتی از بین نخواهد رفت. تنها راه مسئله پیش قدم شدن یکی از قدرتهای مهم و اثرگذار منطقه است تا با عملگرایی خود بتواند زمینه تعامل منطقه‌ای به عنوان پیش‌زمینه منطقه‌گرایی را فراهم کند. پیشنهاد می‌شود نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران این روند را در پیش بگیرند و تلاش کنند تا بجای حضور نظامی، در دیگر کشورهای منطقه حضور اقتصادی داشته باشند تا ضمن اعتمادسازی، زمینه وابستگی اقتصادی کشورها به یکدیگر فراهم شود.

۲- **تاسیس نظم نوین منطقه‌ای با محوریت ایران:** جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای و همکاری در چارچوب یک سازمان منطقه‌ای، تجارت درون منطقه‌ای و وابستگی متقابل اقتصادی بین خود و دیگر کشورهای منطقه را افزایش دهد و از این طریق از یکسو توان چانه‌زنی خود و دیگر کشورهای منطقه را افزایش دهد و از سوی دیگر هزینه منازعه و درگیری نظامی و امنیتی بین کشورهای منطقه را بالا ببرد.

۳- **تلاش رای حضور جدی‌تر در نظم‌های موجود منطقه‌ای:** در منطقه اتحادیه‌ها و طرح‌های مهمی مانند سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و)، اتحادیه اوراسیا و طرح جاده ابریشم وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با حضور فعالانه و موثر در این اتحادیه‌ها و طرح‌ها زمینه منطقه‌گرایی هوشمند را فراهم کند.

۴- **توسعه شبکه حمل و نقل:** میان توسعه حمل و نقل و توسعه اقتصادی رابطه مستقیمی وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت بالای تولید محصولات کشاورزی و برخی دیگر از اقلام مورد نیاز کشورهای همسایه خود است و همین مساله می‌تواند زمینه تعمیق همگرایی اقتصادی کشورها به عنوان پیش‌شرط منطقه‌گرایی را فراهم کند. برای بهره‌برداری مناسب و صحیح از این مزیت، توسعه شبکه حمل و نقل بسیار تعیین کننده است.

۵- **استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌نظیر کشور:** ایران می‌تواند با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار مناسب خود کشورهای منطقه را ترغیب به تعمیق همگرایی بیشتر بر اساس الگوی منطقه‌گرایی هوشمند کند. به عنوان مثال جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای میانه همواره به دنبال راهیابی به آب‌های آزاد از مسیری غیر از روسیه برای افزایش توان چانه‌زنی خود و عدم تاثیرپذیری منفی در سیاست‌های داخلی خود از این کشور بوده‌اند. بهترین مسیر برای این کشورها ایران است؛ می‌توان از

این فرصت و ظرفیت برای تعمیق همگرایی بین ایران و کشورهای آسیای میانه استفاده کرد و زمینه تعمیق همگرایی اقتصادی کشورها را فراهم کرد.

منابع

۱. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۹، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سمت
۲. نقیب زاده، احمد، ۱۳۸۲، اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز، چاپ اول، تهران، نشر قومس
۳. آذرشب، محمدتقی و صانعی، مهدی، بررسی فرایند همگرایی در سازمان همکاری اقتصادی اکو، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره سوم، ۱۳۹۶، ۱۲
۴. امید، علی، فرایند همگرایی در اکو و آسه‌آن، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۴ و ۲۲۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵
۵. بی‌نیاز، علی، نگاهی به تحولات تاریخی منطقه‌گرایی اقتصادی: از منطقه‌گرایی تا نامنطقه‌گرایی، فصلنامه علمی پژوهشی، سال شانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، ۱۵-۱۴
۶. حیدری، محمد و آقایی، سید داود، منطقه‌گرایی در خاورمیانه و شمال آفریقا: بسترها و موانع، کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، دوره اول، ۱۳۹۲
۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال، تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دوره دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۸۸، ۱۶-۴
۸. زارعی، بهادر، دلشادزاد، جلیل، موسوی شهیدی، سیدمهدی و علوی، سیدمحمود، منطقه‌گرایی و چالش‌های آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، ۲
۹. عسگری، محمود، منطقه‌گرایی و پارادایم امنیت منطقه‌ای، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۸ و ۱۸۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، ۲-۱
۱۰. موسوی، سید محمدعلی، جهانی‌شدن یا منطقه‌گرایی: انفکاک یا همگرایی؟، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، دوره اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ۱۶-۵
۱۱. نصوحیان، محمدمهدی، موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس، نشریه ره‌آورد سیاسی، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۸۶، ۵-۶



هفتمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی



۱۲. سلیمی مفرد، مصطفی، منطقه‌گرایی هوشمند «آسه‌آن»؛ الگویی پویا برای ایران، ۱۳۹۹.

برگرفته از سایت: www.masireeqtsead.ir

منابع خارجی

۱۳. Hettne, Bjorn. Inotia, Andras and Sunkel, Osvaldo. (۱۹۹۹- ۲۰۰۱), The New Regionalism Series (vol. I-V), London: Macmillan Press.
۱۴. McLuhan, Marshall (۱۹۹۴). Understanding Media: The Extensions of Man. the MIT Press
۱۵. Hurrell, Andrew. (۱۹۹۵). Regionalism in Theoretical Perspective, in Louis Fawcett and Andrew Hurrell, eds., Regionalism in World Politics: Regional Organization and International Order, Oxford and New York: Oxford University Press. ۳۹-۴۰
۱۶. Mittelman, J. (۲۰۰۰). The Globalization Syndrome, Princeton: Princeton University Press. ۱۱۲.
۱۷. Tussie, N. And Woods, N. (۲۰۰۰). Trade, Regionalism and threat to multilateralism, in the Political Economy of Globalization. Basigtoke: Macmillan. ۷۱-۷۲.
۱۸. Nau, H, R. (۱۹۷۹). From Integration to Interdependence, international organization, Vol. ۳۳. No. ۱. ۱۲۰